

حرف درشت

بوریا عالمی جایزه یک میلیارد تومانی هک را برد
روش هک برنامه آی‌گپ!



پوریا عالمی

خدا را شکر می‌کنیم که تلگرام و فیس‌تایم و وایبر و فیس‌بوک و توییتر و جی و جی بسته شده است. همان‌طور که می‌دانید، همه اینها سوراخ داشتند و راحت می‌شد هکشان کرد و به همین دلیل هم بود که تک‌تک اینها فیلتر شدند که مبادا خدای نکرده کسی اینها را هک نکند و به اطلاعات ما دسترسی پیدا نکند.

خدا را شکر می‌کنیم که اینها بسته شده است وگرنه فکر کن ما اینجا نشسته بودیم که بکهو این خارجی‌ها می‌رفتند توی گوشی ما و عکس‌های خانوادگی ما و سوفیا را نگاه می‌کردند.

حالا البته شما نگران نباشید، چون جلوی این فاجعه گرفته شده است و آنها که اینها را بسته‌اند، یک پیام‌رسان ساخته‌اند به اسم آی‌گپ.

مدیر آی‌گپ چند روز پیش اعلام کرده که آی‌گپ هیچ سوراخی ندارد و کسی نمی‌تواند هکش کند. بعد گفته اگر کسی توانست این اپلیکیشن بدون سوراخ را هک کند و به اطلاعات آن دسترسی پیدا کند، یک میلیارد تومان جایزه می‌گیرد!

یک میلیارد تومان؟ یعنی ما اگر بگوییم چطور می‌تواند این برنامه شما می‌شود دست پیدا کرد، یک میلیارد تومان به ما جایزه می‌دهید؟

خیلی خب. ببینید دسترسی به اطلاعات آی‌گپ و باقی برنامه‌های مید این ایران اصلاً نیاز به هک ندارد. فقط نیاز به یک تلفن دارد!

یعنی شما نشستی توی دفترت و داری کار می‌کنی، تلفن زنگ می‌خورد و یکی پشت گوشی می‌گوید: سلام برادر! اطلاعات همه کاربران برنامه پیام‌رسانت را بریز روی سی‌دی و با بیک موتوری بفرست برای ما!

شما هم می‌گوی چشم.

پس همان‌طور که دیدید، ما توانستیم به روش‌های هک برنامه آی‌گپ دست پیدا کنیم.

لطفاً جایزه یک میلیاردی ما را فردا به حساب ما بریزید و یادتان باشد قول این جایزه را داده‌اید و نمی‌توانید زیر قولتان بزنید و حق این دانشمند جوان را بخورید.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

شنبه ۲۳ دی ۱۳۹۶ • ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۴۳۹ • ۱۳ ژانویه ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۰۵۹ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۳ • اذان مغرب ۱۷:۳۲ • اذان صبح فردا ۵:۴۵ • طلوع آفتاب ۷:۱۴

روزنامه‌فرو

ardashargh@gmail.com

کارتون خواب

آروین

arvinmad@gmail.com



ARVIN 2018

ضرورت تجدیدنظر در وضعیت رسانه

پشت جلد



کریم ارغنده‌پور

احتمال شنیدن و پخش هر چیزی با هر علتی ممکن است و وقتی شایعه زمینه پیدا کند، همه آسیب می‌بینند. من بعنوان یک رسانه‌ای عرض می‌کنم در جریان اعتراضات اخیر اگر تنها یک رسانه کوچک در داخل کار خود را به طور حرفه‌ای، درست و به‌موقع و در چارچوب حمایت‌های قانونی انجام می‌داد، هیچ‌گاه چند کانال مجعول و بی‌هویت، مخاطب و وسیع نمی‌یافتند و اصولاً ابعاد آسیب کوچک‌تر می‌شد. اعتراضات اخیر آموزه‌های فراوانی داشت که باید در جای خود به آنها پرداخت، ولی در صدر آنها ضرورت بازنگری در وضعیت رسانه‌های کشور مطرح است. کاستن از کارکرد حرفه‌ای رسانه در سال‌های اخیر یک آسیب جدی است که باید در آن تجدیدنظر کرد و درآندیشانه درصدد جبران مافات بود. روشن است که این حرف از ارزش کار پاره‌ای از رسانه‌های فعلی کم نمی‌کند. سخن این است که ما به چیزی بسیار بیش از این نیازمندیم و آن مهم تنها در صورت تثبیت جایگاه کار حرفه‌ای و با پشتیبانی‌های قانونی انجام می‌شود.

کند و واقعیات را چنان‌که هست بی‌طرفانه بازتاب دهد. این کاملاً طبیعی است که در زمان یک رویداد غیرعادی، همه به دنبال خبری هستند که از علت، آسیب‌ها و پیامدهای احتمالی آن بر زندگی اجتماعی یا شخصی‌شان ناخبر شوند. اگر پاسخ این پرسش‌ها در رسانه‌های داخلی بازتاب یابد، سهل است که مرجعیت خبری هم در داخل می‌ماند و احتمال موج سواری از دیگران سلب می‌شود. مثال‌ها در این باره فراوان است؛ به‌عنوان نمونه تصور من این است که در جریان آتش‌سوزی اندوهناک ساختمان پلاسکو یا زلزله اخیر در غرب کشور بخش عمده نیازهای خبری مردم از سوی رسانه‌های داخلی پوشش داده می‌شد، ولی در اخباری که نشانی از بحران دارد، هرگونه تغلل در انعکاس خبر یا القای این پیام به مخاطب که بنا بر ملاحظه‌های احتمالا ممکن است بخشی از اخبار اعلام نشود، بلافاصله جامعه را به این واکنش وامی‌دارد که به دنبال راه‌های جایگزین برای کسب اطلاع برسد. در آن صورت شایعه در صدر می‌نشیند؛ یعنی

من به‌جد اعتقاد دارم ناکارآمدی رسانه‌های در جریان اعتراضات اخیر از ابتدا سبب اختلال در فهم ماهیت و ابعاد و سپس نحوه مواجهه با آن شد. سهل است برخی که در پی اهداف سیاسی بودند، فرصت‌طلبانه بر موج سوار شدند و تا می‌توانستند از فضا استفاده کردند. متأسفانه باید عرض کنم پاره‌ای رسانه‌های خارجی هم که اسم‌ورسم و ادعای حرفه‌ای‌بودن دارند، سیاست و احساسات را بر عملکرد حرفه‌ای مقدم داشتند و فضا را به نحوی که مایل بودند تسریع کردند. اجازه دهید در اینجا به ذکر همین تأسف دربار آنها بسنده کنیم و به موضوع اصلی خود بازگردیم. سخن، لزوم کارآمدی رسانه است. وقتی سخن از رسانه می‌رود، نوعا رسانه مستقل مطرح است که بتواند حرفه‌ای عمل

یادداشت

چند یادآوری درباره حقوق خانواده زندانیان



بهمن کشاورز
حقوق‌دان

۱- اصل شخصی بودن مجازات‌ها که از صدر اسلام در نظام قضایی اسلام حاکم بوده و از قاعده «لاتزر» سرچشمه گرفته و بعدها در حقوق غربی نیز شناخته شده است. حکایت از آن دارد که نتیجه اعمال خلاف اشخاص نباید به افراد خانواده آنها سرایت کند. این ضابطه عقلی و انسانی با گذشت زمان و تکامل افکار انسان‌ها مفهوم کامل‌تری نیز پیدا کرده و آن اینکه نه‌تنها آثار اعمال مجرمانه افراد به خانواده آنها تسری پیدا نمی‌کند، بلکه قوای عمومی و اجتماع باید ترتیبی بدهد که آثار سوء غیبت سرپرست خانواده در خصوص معاش و گذران زندگی عاقله او به حداقل برسد. بنابراین وقتی سخن از حقوق خانواده زندانیان گفته می‌شود، ناچار همه این موارد و مطالب را دربر می‌گیرد.

۲- این موارد را می‌توان به‌طور خلاصه چنین بیان کرد: الف) لزوم آگاهی افراد خانواده از وضعیت فرد دستگیرشده وابسته به آنها. ب) مصونیت نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌ها و فیلم‌های خانوادگی و اسرار شخصی مربوط به خانواده از توقیف و ضبط. پ) حق زندانی در خصوص اطلاع‌دادن تلفنی یا به هر وسیله دیگر به خانواده خود در مورد تحت‌نظربودنش. ت) حق خانواده و بستگان نسبت به درخواست معاینه‌شدن متهم و فرد تحت نظر، به‌وسیله پزشک و ثبت نتیجه در پرونده. ث) حق ملاقات زوج یا زوجه، پدر، مادر، برادر، خواهر، فرزندان متهم یا فرد محکوم، همین‌طور پدر و مادر همسر وی با زندانی که با صلاحیت رئیس مؤسسه یا قاضی ناظر با حضور مأمور مراقب به‌صورت حضوری صورت می‌گیرد و همچنین همسر و فرزندان با نظر مقامات پیش‌گفته ممکن است ملاقات بدون حضور مراقب داشته باشد. ج) حق دریافت هر هفته دو نامه از زندانی خطاب به همسر و فرزندان و والدین او. ح) امتیاز به مرخصی آمدن زندانی که البته حسب تصریح آیین‌نامه، حق محسوب نمی‌شود. ح) امکان ملاقات حضوری ویژه برای افرادی که زوج یا زوجه آنها زندانی است.

۳- این موارد را می‌توان به‌طور خلاصه چنین بیان کرد: الف) لزوم آگاهی افراد خانواده از وضعیت فرد دستگیرشده وابسته به آنها. ب) مصونیت نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌ها و فیلم‌های خانوادگی و اسرار شخصی مربوط به خانواده از توقیف و ضبط. پ) حق زندانی در خصوص اطلاع‌دادن تلفنی یا به هر وسیله دیگر به خانواده خود در مورد تحت‌نظربودنش. ت) حق خانواده و بستگان نسبت به درخواست معاینه‌شدن متهم و فرد تحت نظر، به‌وسیله پزشک و ثبت نتیجه در پرونده. ث) حق ملاقات زوج یا زوجه، پدر، مادر، برادر، خواهر، فرزندان متهم یا فرد محکوم، همین‌طور پدر و مادر همسر وی با زندانی که با صلاحیت رئیس مؤسسه یا قاضی ناظر با حضور مأمور مراقب به‌صورت حضوری صورت می‌گیرد و همچنین همسر و فرزندان با نظر مقامات پیش‌گفته ممکن است ملاقات بدون حضور مراقب داشته باشد. ج) حق دریافت هر هفته دو نامه از زندانی خطاب به همسر و فرزندان و والدین او. ح) امتیاز به مرخصی آمدن زندانی که البته حسب تصریح آیین‌نامه، حق محسوب نمی‌شود. ح) امکان ملاقات حضوری ویژه برای افرادی که زوج یا زوجه آنها زندانی است.

۴- با توجه به بند «ج» ماده ۲ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها... به سازمان زندان‌ها «کمک به رفع مشکلات مادی و معنوی خانواده زندانیان، جزء وظایف این سازمان است».

بدیهی است این ضوابط وقتی فایده دارد که به‌طورجدی اجرا شود. البته شاید اجراشدن آنها به مطالبه افراد ذی‌نفع نیز موقوف باشد.

والله اعلم.

آکادمی

به مناسبت ۷۶ سالگی «استیون هاوکینگ»

پرواز در لابه‌لای سیاهچاله‌ها



دکتر عبدالرضا ناصر‌مقدسی
متخصص مغز و اعصاب

«استیون هاوکینگ»، فیزیک‌دان مشهور، ۷۶ ساله شد. زندگی او از جنبه‌های بسیار متفاوتی قابل تحلیل و بررسی است. بی‌شک کتاب‌های زیادی در مورد او و آثارش به رشته تحریر درخواهد آمد. برای من بسیار جالب بود که این فیزیک‌دان بزرگ همراه با دخترش چندین کتاب برای کودکان نوشته است. همه اینها نشان از ذهنی پر تکاپو و جست‌وجوکننده برای کشف و تجربه دنیاهای جدید دارد. به‌عنوان یک پزشک، یکی از جالب‌ترین جنبه‌های زندگی هاوکینگ همانا مبارزه خستگی‌ناپذیر وی با بیماری‌اش است. بیماری اسکلروز جانبی آمیوتروفیک یا ALS یک بیماری کشنده است که در مدت کوتاهی بیمار را از پا درمی‌آورد. برای محققان جای تعجب است که هاوکینگ چگونه توانسته این همه‌سال در برابر این بیماری مهلک دوام بیاورد. بیماری، تکه‌تکه توان انسان را تحلیل می‌برد. آرام‌آرام قدرت اندام‌ها را گرفته، تکلم را مختل کرده و حتی تنفس و بلع او را هم دست‌خوش آسیب می‌کند. بیمار هر روز ناتوان‌تر از قبل می‌شود. متأسفانه با وجود تمام تحقیقات، هنوز هیچ دارویی که بتواند حداقل شرایط بیماری را کنترل کند، کشف نشده است. من به دلیل رشته تخصصی‌ام، با این بیماران زیاد برخورد داشته‌ام. به غیر از تحلیل جسمانی، نوعی تحلیل روانی را نیز در آنها مشاهده کرده‌ام. بیمار از لحاظ روانی روزبه‌روز مستأصل‌تر از قبل می‌شود. مشکل این بیماری این است که بیمار کاملاً آگاه بوده و نسبت به آنچه برای او اتفاق می‌افتد، بینش دارد. او می‌بیند که نمی‌تواند حرکت کند، نمی‌تواند حرف بزند و نمی‌تواند نفس بکشد. او این سیر پیش‌رونده را با آگاهی تمام درک می‌کند. از این دکتر به آن دکتر می‌رود، بدون آنکه نتیجه‌ای کسب کند. درعین‌حال اتفاق مهمی نیز در روند شناختی او می‌افتد. این سیر پیش‌رونده همه چیز او می‌شود. اندام‌های مضمحل، جای آگاهی او را می‌گیرد و او از نظر شناختی به این ضعف پیش‌رونده تقلیل می‌یابد. هویت بیمار، بیماری ALS می‌شود. او دیگر هویت مجزایی ندارد. انگار بیماری ALS سیاهچاله‌ای است که او را در خود می‌بلعد، بی‌آنکه نشانی از وی به جا بگذارد. نکته مهم در مورد هاوکینگ این است که او دقیقاً عکس این ماجرا را طی کرده است. درست است که اندام‌ها و تکلم وی روزبه‌روز تحلیل رفته‌اند، اما او توانسته به‌طور کامل از نظر آگاهی خود را از بیماری منفک کند. او هم مانند سایر بیماران در سیاهچاله بیماری افتاده، اما برخلاف آنها از درون آن فرار کرده است. اتفاقی نیست که استیون هاوکینگ در فیزیک نظری به‌خاطر کارهایش در زمینه سیاهچاله‌ها معروف است. به‌خصوص برای آنچه که تابش هاوکینگ خوانده می‌شود. او نشان داده که فوتون‌ها می‌توانند از جاذبه سیاهچاله فرار کرده و در این فرار، کمی از انرژی آن برپایند تا به آنجا که در نهایت سیاهچاله تجزیه شده و از بین برود. گاه فکر می‌کنم اینکه او توانسته چنین کشفی کند، ناشی از همین جدال وی با بیماری و تلاشش برای رهایی از سیاهچاله‌ای است که در آن افتاده است. او در این جدال نفس‌گیر برخلاف باور همگان اثبات کرده که چه در دنیای فیزیک نظری و چه در عرصه زندگی، فرار از سیاهچاله کاملاً مقدور بوده و سیاهچاله‌ها برخلاف تصور آن‌قدرها هم سیاه نیستند. حتی سیاهچاله‌ها هم به‌واسطه نوری که می‌تابانند می‌توانند زیا باشند.

پرنده آبی

زنان عربستان در ورزشگاه و حسرت ما



پاسپورت بدون اجازه همسر. اما غیر از این، یکی از موارد شگفت‌انگیز از نظر کاربران جهانی، فحشی بود که ترامپ کشورهای درخواست‌کننده مهاجرت را به سوراخ توالد تشبیه و آرزو کرد افراد از کشورهایی نظیر نروژ که می‌توانند کمک اقتصادی برای آمریکا به‌همراه داشته باشند درخواست مهاجرت بدهند، البته کاف‌های ترامپ ادامه دارد. او از فروش هواپیمای b-52 به یکی از کشورهای اروپایی خبر داده است، آن هم درحالی‌که ایس‌هواپیما فقط در بازی کامپیوتری مشهوری وجود دارد. به‌رحال در آستانه یک سال پس از ریاست‌جمهوری ترامپ، برخی از نشریات خارجی او را روی جلد قرار داده و به بررسی این یک سال پرداخته‌اند.

این است: «الاهلی خانواده‌ها را گرد هم آورد». پوستری نیز برای حضور زنان و خانواده‌ها طراحی شده است. در شبکه‌های اجتماعی عده‌ای این گشایش را با وضعیت زنان و فوتبال زنان مقایسه کرده‌اند؛ از جمله به اتفاقی که در روز جمعه رخ داد اشاره کرده‌اند که حضور عکاسان در ورزشگاه برای پوشش‌داری زنان بین ذوب‌آهن و سپاهان ممنوع بود و خبرگزاری‌ها نیز بازی را تحریم کردند. اینکه چطور در عربستان این امکان فراهم شده است، اما در ایران مانند سد بزرگی به نظر می‌آید و تنها کشور دنیا هستیم که زن‌ها در آن اجازه ورود به استادیوم را ندارند؛ هرچند فضای باز برای زنان عربستان با اتفاق‌های دیگری همراه است؛ مانند برگزاری نمایشگاه اتومبیل خاص زنان (امکان رانندگی زنان نیز فراهم شده) یا حتی داشتن

شرق: ایرانی‌ها در شبکه‌های اجتماعی نگرانی خود را از ادامه آتش‌سوزی در نفت‌کش ایرانی مدام تکرار می‌کنند. آنان با هشتک انگلیسی نجات ایرانی‌ها در چین سعی کردند تا توجه جهانی را به عدم همکاری چینی‌ها جلب کنند، اما زنان و عربستان دو هشتکی بود که به‌شدت در این دو روز استفاده شد. دلیل اجازه حضور در ورزشگاه و دیدن بازی الاهلی از نزدیک است. برای این منظور پوسترهایی خاص از سوی این باشگاه طراحی شده و خانواده‌ها را برای حضور در ورزشگاه دعوت کرده است؛ ممنوعیتی که تنها سه ماه پیش برداشته شد و امروز به صورت اجرائی و عملی ممکن می‌شود. بسیاری از زنان ایرانی علاقه‌مند به حضور در ورزشگاه به مقایسه این آزادی در عربستان و ممنوعیتش در ایران پرداختند و از آن به‌عنوان یک حسرت یاد کرده‌اند؛ برای زنان ایرانی این حسرت هنگامی پررنگ‌تر می‌شود که تبلیغ‌های متعدد باشگاه الاهلی را برای بازی امروز با «باطن» می‌بینند؛ در تبلیغی که قیمت بلیت این بازی از سوی این باشگاه منتشر شده است قیمت بلیت خانواده با تک نفر برابر است و شعار



جشنواره بزرگ باشگاه مشتریان

یه حرکت حساب شده

یک جایزه ۲۰۰ میلیون تومانی و ۳۰۰ جایزه یک میلیون تومانی

www.tejaratclub.ir